

تاوقتی که ملاها در حکومت‌اند تروریسم تحت نام اسلام حیات خود را از این رژیم می‌گیرد

سخنرانی در اجلاس «سیاست قاطع علیه رژیم ایران - حمایت از مقاومت»

۲۳ بهمن ۱۳۹۴

نمایندگان محترم مجلسین انگلستان

خیلی خوش آمدید. توجه شما به مسأله حقوق بشر و دمکراسی در ایران و تأکیدتان بر نقش مقاومت ایران حقیقتاً تحسین‌برانگیز است. شما پرچمداران یک سیاست صحیح در اروپا نسبت به مهم‌ترین خطر این دوران یعنی استبداد مذهبی حاکم بر ایران هستید.

برای دفاع از این سیاست، شما شجاعت به خرج داده‌اید. می‌دانم که این کار ساده‌یی نیست. وقتی دولت‌ها در حال مماشات هستند، در جهت خلاف آن‌ها حرکت کردن مشکل است. شما تحت فشار قرار می‌گیرید، ولی این شرایط همه کسانی است که علیه یک سیاست منحرف به‌پا خاسته‌اند. هم‌چنین از ابتکار عمل شما در انتشار بیانیه‌یی درباره لزوم اتخاذ سیاست قاطع نسبت به ایران قدردانی می‌کنم.

سال‌ها پیش ما نسبت به خطر اتمی رژیم ایران هشدار می‌دادیم. به کرات اطلاعات برنامه‌های سری اتمی آخوندها را افشا کردیم. اما دولت‌های غرب به‌سود خود نمی‌دیدند که به هشدارهای ما توجه کنند. تا این که ملاها به یک قدمی تولید بمب رسیدند.

حالا خوشبختانه توافق اتمی امضا شده است. اگرچه در این توافق امتیازهای نابه‌جایی به ملاها دادند، اما خطر برای چند سال عقب افتاده است. به این ترتیب، اثبات شد که هشدارهای مقاومت ایران و کمیته شما یعنی کمیته بریتانیایی پارلمانی ایران آزاد صحیح بوده است.

حالا ما باز هم نسبت به خطر استبداد مذهبی حاکم بر ایران هشدار می‌دهیم. اما این خطر چگونه عمل می‌کند؟ در داخل ایران به صورت نقض شدید حقوق بشر. در منطقه به‌صورت بی‌ثبات‌کردن. یعنی جنگ‌افروزی و تروریسم و کشتار در سوریه و عراق و یمن و لبنان.

عراق اولین ایستگاه، برای تشکیل خلافت جهانی اسلامی برای رژیم ایران بود. اگر این فاشیسم مذهبی در ایران بر سر کار نبود، امروز با یک عراق پاره پاره و فاجعه‌های دردناک مواجه نبودیم. کما این که در سوریه، جنگ و قتل‌عام و نسل‌کشی جریان نمی‌یافت و یمن توسط باندهای مزدور این رژیم به ورطه جنگ و خونریزی کشیده نمی‌شد.

این استبداد مذهبی درعین حال، منبع الهام و ترغیب دو گرایش اساسی هم هست: یکی افراطی‌گری تحت نام اسلام و دیگری کینه‌توزی نسبت به غرب. برآیند این دو گرایش، حملات تروریستی در اروپاست.

درواقع رژیم ایران، نقش الهام‌بخش، تغذیه‌کننده و اعتباردهنده برای گروه‌های افراطی اعم از شیعه و سنی دارد. فرق نمی‌کند که این گروه‌ها شیعه باشند یا سنی، آنها یا مزدور رژیم ایران و یا متحد طبیعی و عملی آن هستند. در هر حال، تاوقتی که آخوندها در حکومت‌اند تروریسم تحت نام اسلام موجوبیت و حیات خود را از این رژیم می‌گیرد.

برخی از مماشائگران این‌طور تبلیغ می‌کردند که پس از امضای توافق‌نامه اتمی، رژیم ایران مسیر میانه‌روی در پیش می‌گیرد. اما می‌بینید که وضعیت معکوسی پیش آمده است:

پس از توافق، نقض حقوق بشر در ایران، وخیم‌تر شد، دخالت و کشتار در سوریه توسط ملاحا جهش پیدا کرد، آن‌ها حتی پای روسیه را هم به آن‌جا کشاندند، اقدام‌های ملاحا برای گسترش سیستم موشکی‌شان بیشتر شد، کمپ لیبرتی هدف موشک‌باران مرگبار و قتل عام قرار گرفت و در انتخابات مجلس ملاحا، خامنه‌ای عمده کاندیداهای جناح روحانی را قبل از برگزاری انتخابات حذف کرد. به‌رغم این که حذف‌شدگان به نظام ولایت فقیه اعلام وفاداری کرده بودند. چرا که خامنه‌ای حتی توان تحمل رقبای درونی خود را هم ندارد. این معنای میانه‌روی در فاشیسم دینی است .

برخی‌ها در غرب ادعا می‌کنند که معامله با روحانی باعث میانه‌روی رژیم می‌شود. اما روحانی تفاوت بنیادینی با خامنه‌ای ندارد و در ۳۷ سال گذشته در همه جنایات این رژیم دست داشته است، اما حتی اگر تفاوتی هم داشت، در این حکومت، قدرتی ندارد. پس هر امضای هر قراردادی با روحانی، کمکی است به ولی فقیه. به‌عنوان مثال، خوب است به معاملات تجاری با ایران توجه کنیم:

امروز دست‌کم نیمی از تولید ناخالص داخلی در اختیار ولایت فقیه و سپاه پاسداران است. بنابراین بیشتر معاملاتی که با ایران می‌شود، طرف آن در واقع شرکت‌های وابسته به خامنه‌ای و سپاه پاسداران هستند. در نتیجه، وقتی یک شرکت انگلیسی با ایران معامله می‌کند، سود آن نصیب سپاه پاسداران می‌شود، سپاه این پول را صرف تروریسم و جنگ در سوریه می‌کند، و در نهایت امنیت خود اروپا را هم به‌خطر می‌اندازد .

می‌بینید که آن‌ها فقط به حقوق بشر ایران بی‌اعتنا نیستند؛ بلکه امنیت اروپا را هم زیر پای تجارت به‌خطر می‌اندازند. پس حمایت از مدره‌های موهوم در این رژیم، به‌سود خامنه‌ای و سپاه پاسداران است، معامله کردن با این رژیم باعث تأمین مالی تروریسم می‌شود، و بی‌اعتنایی به نقض حقوق بشر در ایران و یا مسأله حفاظت رزمندگان آزادی در لیبرتی باعث تضعیف مقاومت علیه این رژیم می‌شود .

سیاست صحیح در مورد مسأله ایران این است که جامعه جهانی، مبارزه مردم و مقاومت ایران برای تغییر رژیم را به‌رسمیت بشناسند. چون تنها نیرویی که قادر این خطر را رفع کند و ایران و خاورمیانه را به دموکراسی و ثبات و صلح برساند، مردم ایرانند.

این سیاست صحیح، چیزی است که مردم و مقاومت ایران و جامعه جهانی در آن اشتراک منافع دارند. حمایت از امنیت لیبرتی که بخشی از اعضای اپوزیسیون اصلی رژیم در آن‌جا هستند، جای مهمی در این سیاست صحیح دارد. این تلاشی است که شما همواره در آن پیش‌تاز بوده‌اید .

باید تأکید کنم که موضعگیری‌ها و کوشش‌های شما و سایر کمیته‌های پارلمانی در اروپا و آمریکا در حفاظت لیبرتی تاکنون تأثیر جدی داشته است. اما کمپ لیبرتی هم‌چنان در خطر است و در شرایط آسیب‌پذیری قرار دارد. و این به تلاش‌های هرچه بیشتری نیاز دارد. مردم ایران پشتیبانی و حمایت شما در این سالیان را هرگز فراموش نخواهند کرد و در تاریخ ایران به نیکی ثبت خواهد شد.